



Original Research

Legal Examination Of The Wife's Residence In The Joint House During The Days Of The Rejaya Period

Fatemeh Fallahpour^{1*}, Seyed Mohammad Asadi nejad²

1 Master of Private Law, Department of Law, Ahrar Institute of Higher Education, Rasht, Iran.

2 Associate Prof., department of Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

Article ID: 1402030242377

<p>Received: April 25,, 2022</p> <p>Accepted: August 4 , 2022</p> <p>Available online: September 22, 2022</p> <p>Keywords: Wife, Divorce, Housing, Rejaya Period, Common House</p> <p>Main Subjects: Family Law</p>	<p>Abstract</p> <p>Wife's housing is considered one of the most basic examples of alimony and also one of the most valuable financial rights of the couple, which creates a very sensitive position in the strength and stability of the family. therefore; According to Article 1005 of the Civil Code, couples can agree on their place of residence during the marriage. In this way, the agreement that the couple makes for the wife to live in an independent house; Based on the aforementioned article, it is possible. Also, when the marriage is dissolved In special cases, such as the days when the wife is in the category of retroactive divorce, The legislator has required couples to They have continued to live in a common house next to each other for a certain period of time, Because a divorcee during the period of divorce is the same as a wife, And his rights and duties are the same as those of a wife during marriage. Also, regarding the nature of the couple's residence in the joint house, Although cohabitation is proportional to the meaning of the contract, that agreement and consent against it is also possible. But this residence in the joint house is also considered as the husband's right And it is one of the accessories of good company, And it is one of the accessories of good company, Therefore, the present research has analyzed the legal analysis of the wife's residence in the common house during the days of the Rejiya. And the results of this research indicate this, But this right is shared with the duties related to living in the house, It can be collected and the wife has no right to complain about accepting her husband in the joint house.</p>
--	--

*Corresponding Author: Fatemeh Fallahpour

Address: Master of Private Law, Department of Law, Ahrar Institute of Higher Education, Rasht, Iran.

Email: Fatemeh.fallah5786@gmail.com



بررسی حقوقی سکونت زوجه در منزل مشترک در ایام عده رجعیه

فاطمه فلاح پور^۱، سیدمحمد اسدی نژاد^۲

۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، مؤسسه آموزش عالی احرار، رشت، ایران.

۲ دانشیار حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

کد مقاله: ۱۴۰۲۰۳۰۲۴۲۳۷۷

<p>چکیده</p> <p>مسکن زوجه یکی از اساسی ترین مصداق های نفقه و همچنین یکی از ارزشمندترین حقوق مالی زوج به حساب می آید که جایگاه بسیار حساس در استحکام و پایداری خانواده ایجاد می نماید. از این رو؛ بر اساس ماده ۱۰۰۵ ق.م.زوجین می توانند در ایام نکاح راجع به محل سکونت خود توافق کنند. بدین ترتیب توافقی که زوجین جهت سکونت زوجه در منزل مستقل می نمایند؛ براساس ماده فوق الذکر امکان پذیر است. همچنین در زمانی که نکاح منحل گردیده در مواردی خاص همانند ایامی که زوجه در عده طلاق رجعی به سر می برد قانون گذار زوجین را ملزم کرده است تا برای مدتی مشخص و معلوم به سکونت خود در منزل مشترک کنار یکدیگر ادامه داده بخاطر اینکه مطلقه رجعیه در ایام عده طلاق رجعی همانند زوجه می باشد و حقوق و تکالیفی که برای او بار می شود همانند زوجه در ایام نکاح می باشد. همچنین در خصوص ماهیت سکونت زوجین در منزل مشترک، گرچه سکونت مشترک به تناسب اطلاق عقد می باشد که توافق و رضایت برخلاف آن نیز ممکن می باشد. اما این سکونت در منزل مشترک به نوعی حق شوهر نیز محسوب می گردد و یکی از لوازم حسن معاشرت می باشد و اسقاط آن به تنهایی ممکن نبوده و باید با تراضی زوج باشد. از این رو پژوهش حاضر به صورت تحلیلی - توصیفی به بررسی حقوقی سکونت زوجه در منزل مشترک ایام عده رجعیه پرداخته و نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از این امر می باشد که مطلقه رجعیه در ایام عده همچنان حق تعیین نمودن مسکن را داشته ولی این حق با تکالیفی که راجع به سکونت در خانه مشترک می باشد قابل جمع بوده و زوجه حق ندارد از قبول نمودن همسر (شوهر) خویش در خانه مشترک استنکاف نماید.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴ مرداد ۱۴۰۱</p> <p>تاریخ انتشار: ۳۱ شهریور ۱۴۰۱</p> <p>کلیدواژه ها: زوجه، طلاق رجعیه، مسکن، عده رجعی، منزل مشترک</p> <p>محورهای موضوعی: حقوق خانواده</p>
--	--

^۱نویسنده مسئول: فاطمه فلاح پور

آدرس: کارشناس ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، مؤسسه آموزش عالی احرار، رشت، ایران.

ایمیل: Fatemeh fallah5786@gmail.com

۱- مقدمه

احکام اسلامی که مبتنی بر آیات قرآن می‌باشد، به دلیل اتصال به علم لایتناهی و حکمت باری تعالی مسلم و قطعی به شمار می‌آیند. این احکام عمدتاً غیرقابل تغییر بوده و لازم‌الاجرا هستند. ولی احکامی که مبتنی بر روایات باشند، مستلزم تحقیق بوده و فقها در آن موارد ممکن است نظرات متفاوت اعلام کنند. عده جزو دستوراتی می‌باشد که در قرآن مطرح گردیده و بعضی از احکام آن اعلام شده است. قرآن کریم به صراحت وضعیت ازدواج مجدد زنان مطلقه، زانی که نکاح آن‌ها به دلایلی فسخ گردیده یا زانی که شوهران خود را در اثر فوت ازدست داده‌اند، معلوم نبوده و به عنوان مثال اعلام می‌دارد زنان مطلقه باید بعد از طلاق به مدت سه پاکی صبر کنند و سپس می‌توانند مجدداً ازدواج نمایند. یا در مورد زنی که شوهرش فوت کرده اعلام کند، زن باید به مدت چهار ماه و ده روز صبر نماید و پس از آن می‌تواند در صورت تمایل ازدواج کند (قیوم زاده، میرگلوبیات، ۱۳۹۶: ۱). یکی از حقوق و تکالیف دشواری که زندگی مشترک بر گردن زوجین می‌گذارد سکونت مشترک آن‌ها می‌باشد که بعنوان ابتدایی‌ترین ملزومات هر خانواده است. زندگی زوجه در خانه مشترک با همسر (زوج) یکی از مصداق‌های تمیکن عام بوده و چنانچه زن از انجام دادن این تکلیف شرعی و قانونی هنگامی که هیچ‌گونه عذر موجهی موجود نیست سر باز زند، باعث ناشزه محسوب نمودن زن می‌گردد. عده طلاق مهلتی برای تفکر و بازگشت به زندگی خانوادگی می‌باشد. در این مدت زن و شوهر می‌توانند درباره قانون خانوادگی و سرنوشت فرزندانشان نیک بیندیشید و قانون‌گذار به شوهر امکان داده در صورت پشیمانی از گسستن رابطه زناشویی، با رجوع خود، اثر طلاق را از میان ببرد و زندگی مشترک را از سر گیرد در رابطه با طلاق رجعی باید بیان نمود که: چنانچه مطلقه رجعی را زوجه حقیقی تلقی نمایم یعنی ایامی که زوجه در عده رجعی به سر می‌برد را ادامه زوجیت قلمداد کنیم در چنین صورت باید این اختیار را برای زوجین در نظر گرفت، به همان ترتیب که در هنگام زوجیت می‌توانستند تراضی نمایند به طور جدا از یکدیگر در خانه مشترک زندگی کنند در هنگام عده رجعی نیز چنین حقی برای آن‌ها محفوظ باشد. اما زمانی که فرد مطلقه رجعی را همانند زوجه قلمداد کنیم این حقوق و تکالیف به تبع آن بر او متصور می‌شود و در نتیجه به نظر می‌آید زوجین بتوانند خلاف آن توافق کنند. برخی نیز معتقد می‌باشند که قانون‌گذار ایران مطلقه رجعی را در حکم زن قلمداد می‌نماید و علل این مطلب را در دو نکته بیان می‌دارد: نخست؛ قانون‌گذار با توجه به ماده ۱۱۲۰ ق.م؛ به تنها طلاق را سبب باطل شدن نکاح قلمداد نمود. ثانیاً؛ بند ۲ ماده ۸ ق.ا.ح؛ به طور صریح بیان می‌دارد: زوجه ای که در عده رجعی است در حکم زوجه می‌باشد، طبق این ماده یکی از شرایطی که دادرسی باید از دخالت در امور حسبی جلوگیری کند این امر می‌باشد که: موارد راجع به زوجه خود یعنی زوجه ای که در ایام عده طلاق رجعی می‌باشد در حکم زوجه می‌باشد. به نظر می‌آید؛ ماده ۱۱۲۰ به این مفهوم نمی‌باشد که در طلاق رجعی با خواندن صیغه طلاق زوجیت به اتمام رسد و این ماده فقط اسباب پایان یافتن عقد نکاح را ذکر نموده و در رابطه با زمان تأثیر آن سکوت اختیار نموده است. نیز از مواد ۱۰۰۵، ۱۱۱۴ و ۱۱۱۵ ق.م. اینگونه استنباط می‌گردد که سکنی نمودن در منزل مشترک، جزء تکالیف زوجه است و به نوعی برای شوهر حق به حساب می‌آید؛ بخاطر این امر می‌باشد که در ماده ۱۰۰۵ ق.م؛ سکنی در منزل جداگانه را مبنی بر اجازه زوج یا اجازه دادگاه نموده است و راجع به تکالیف زوج به سکنی نمودن سکوت اختیار کرده است. ماده ۳۸ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ اشعار می‌دارد: «در طلاق رجعی، صیغه طلاق بر اساس مقررات مربوط جاری می‌گردد و مراتب صورت جلسه می‌شود. ولی برای اینکه بتوان صیغه طلاق را ثبت نمود حداقل دو شاهد باید گواهی کتبی جهت سکونت داشتن زوجه طلاق گرفته را در خانه مشترک همراه با زوج تا پایان عده را ارائه دهند. بغیر از، اگر زن خود بدون گذراندن مراحل ذکر گردیده موافقت به ثبت طلاق داشته باشد در شرایطی که رجوع تحقق یابد صورت جلسه طلاق باطل و در شرایطی که رجوع صورت نگیرد صورت جلسه تکمیل گردیده و



طلاق ثبت می گردد. همچنین صورت جلسه ای که تکمیل شده است باید به امضای زوجین یا نماینده آنان و دو شاهد و نیز سردفتر طلاق رسیده و در صورتی که زن (زوجه) درخواست نماید گواهی اجرای صیغه طلاق و عدم رجوع زوج به او داده می شود.»

بر اساس این ماده ثبت نمودن طلاق رجعی به شرط ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد بر سکنی زوجه مطلقه در خانه مشترک تا خاتمه عده است. از قسمت ابتدایی این ماده این گونه برداشت می شود که مطلقه رجعی در هنگام عده موظف به سکنی در خانه مشترک می باشد و رضایت و تراضی زوجین بر عکس آن باطل بوده، به این دلیل که در شرایطی که این تکلیف را رعایت ننمایند با ضمانت اجرای عدم ثبت طلاق رجعی برخورد خواهد نمود؛ ولی از قسمت دوم همین ماده این گونه استنباط می شود که: «مگر اینکه زن رضایت به ثبت داشته باشد»، در صورتی که زن موافق به ثبت باشد ارائه کتبی حداقل دو شاهد لازم نمی باشد و در اصل با قبول و رضایت زن، هنگامی که زن (زوج) رجوع ننموده باشد طلاق رجعی ثبت می شود. باید اذعان نمود که، قسمت دوم این ماده به طریقی سکنی در خانه مشترک را حق دانسته و به نظر می رسد توافق نمودن برخلاف آن را جایز دانسته است؛ به این معنا که در شرایطی که زوجه رضایت داشته باشد خواهند توانست در خانه مشترک سکنی نکنند، بدین جهت این ماده با این ابهام روبه رو می باشد که از یک طرف مطلقه رجعی موظف به سکنی در خانه مشترک می باشد و از طرف دیگر سکنی حق او است و با رضایت وی قابل سقوط می باشد، در حالی که یک شخص هم زمان نمی تواند هم مخیر و هم مکلف باشد (طاهری، ۱۹۵-۱۹۶). در این نوشتار به بررسی این موضوع که قانون مدنی و قانون حمایت خانواده چه شرایط و احکامی را برای زندگی مشترک زوجه در طلاق رجعی قرار داده است، رویکرد قانون جدید حمایت از خانواده در رابطه با زندگی زوجه مشترک در عده طلاق رجعی چگونه است، قانون گذار در قانون مدنی چه موضعی را در رابطه با زندگی مشترک زوجه در عده طلاق رجعی اتخاذ کرده است؟ و همچنین آثاری که طلاق و بخصوص طلاق رجعی به همراه دارد پرداخته خواهد شد.

۲- بیان مسأله

خانواده هسته مرکزی اجتماع است و اولین اجتماعی می باشد که شخص در آن پا نهاده و آداب زندگی و رسم و رسوم اجتماعی و تعاون و از خودگذشتگی را در آن می آموزد و کانونی برای حمایت از انسان می باشد. تمایل فطری زن و مرد به یکدیگر، باعث ایجاد این پیوند می شود. از سویی ازدواج نیز به منزله مهم ترین و تنهاترین عامل ایجاد این پیوند می باشد. نکاح، عقدی است که به موجب آن مرد و زن لاقلاً بر نفی محرومیت جنسی یا علاوه بر نفی محرومیت به منظور تشکیل خانواده و زندگی مشترک خانوادگی قانوناً باهم متحد می گردند. (امامی، ۱۳۹۹: ۲۲). مهم ترین اهداف نکاح، حفظ نسب، ارضای غریزه جنسی، برخورداری از آرامش و داشتن فرزندان صالح قلمداد گردیده است (صفا، ۱۳۹۱: ۱۸). عده ای نیز اعتقاد دارند هدف اصلی نکاح، تشکیل خانواده و در کنار یکدیگر بودن می باشد (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۲۱). از این رو، همین که نکاح به درستی واقع گردد حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر ایجاد می نماید که حقوقدانان از آن به آثار نکاح تعبیر می کنند. از این رو قانون گذار از قدیم الایام به خانواده توجه داشته و از دیرباز قوانینی برای حمایت از خانواده وضع نموده است و در این قوانین سعی نموده تا جایی که امکان دارد از برهم خوردن کانون خانواده جلوگیری نماید. همچنین برخی از مقررات که در زمینه حقوق خانواده تصویب گردیده بیانگر این امر می باشد، یکی از این موارد الزام نمودن سکنی زن (زوجه) هنگام عده رجعی در منزل زوج (شوهر) دانست. در رابطه با مسائل حقوقی سکونت نمودن زوجه در زمان عده رجعی در قانون نظر واضحی موجود نیست. از این رو، حقوق دانان نیز در رابطه با آن اختلاف نظر داشته که همین اختلاف نظرها را می توان در متن آرایبی که توسط دادگاه ارائه می شود مشاهده نمود (ملائی کاشی، ۱۳۹۷: ۱).

یکی از اصلی ترین حقوق و تکالیف زوجین که مشترک بین هر دو نفر آنان می باشد زندگی کردن در نزد یکدیگر زیر یک سقف است. اگرچه مسکن و محل زندگی یکی از مصداق ها و زیرمجموعه های نفقه است و از وظایف شوهر می باشد که آن را فراهم نماید، ولی به سبب اهمیتی



که مسکن و شرایط آن دارد به صورت واحد به آن پرداخته شده است از نظر قانونی و شرعی بر شوهر لازم و همچنین واجب است تا برای زوجه خویش خانه و محل زندگی چه به صورت اجاره ای و یا ملکی تهیه نماید؛ اختیار تعیین خانه و محل آن با همسر (زوج) است و او ملزم می باشد و نیز اختیار دارد در هر مکانی که مناسب دانست. برای همسرش مسکن و خانه‌ای فراهم نماید (همان، ۱۵). قانون مدنی حکم صریحی راجع به وظیفه شوهر در قبال سکونت در منزل مشترک ندارد؛ اما عرف مسلم آن را از لوازم حسن معاشرت با زن می‌داند. علاوه بر این با توجه به ملزم نمودن قانون گذار به سکنی در خانه مشترک در زمان عده رجعی به نظر می‌رسد، روش عملی جاری بین زن و مرد برعکس این قاعده است و زوج و زوجه پس از برگزاری صیغه ی طلاق از یکدیگر جدا می‌شوند و کمتر موردی پیش آمده که به صورت یک جا سکنی نمایند. حتی از منظر عرف، سکنی زن و مرد در خانه مشترک پس از برگزاری صیغه طلاق امری مزمووم محسوب می‌شود و در عمل اجرا نمودن این حکم وجود ندارد (رضی و رامشی، ۱۳۹۵: ۵). زن همچنین براساس ماده ۱۱۱۴ ق.م. باید در خانه ای که زوج تعیین می‌کند زندگی نماید بغیر از زمانی که اختیار تعیین مسکن به زوجه داده شده است. همچنین بر اساس قانون حمایت خانواده برای اینکه طلاق رجعی ثبت گردد گواهی کتبی سکنی مطلقه رجعی الزامی می‌باشد.

۳- مفاهیم

در آغاز هر عنوان و موضوعی که برای پژوهش انتخاب می‌گردد، نخستین سؤالی که به ذهن خواننده و یا شنونده متبادر می‌شود، آگاهی از سابقه تحقیق در آن موضوع و اینکه آیا موضوع مطرح گردیده دارای قدمت بوده و یا اینکه از علوم نوین می‌باشد. لذا در این فصل از پژوهش ابتدائاً به بررسی مفاهیم اساسی پژوهش پرداخته خواهد شد.

۳-۱- مفهوم نکاح

یکی از قراردادهای اساسی غیرمالی، نکاح دائم می‌باشد، اگرچه که پاره ای از آثار مالی بر آن بار می‌گردد؛ آثار مالی که از نکاح ایجاد می‌گردد جنبه فرعی و تبعی داشته و بدین جهت نکاح را از شرایط یک قرارداد غیرمالی خارج نمی‌نماید. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۲۸). نکاح یک عقد می‌باشد. «عقد» در لغت به معنای گره زدن، بستن و محکم نمودن چیزی می‌باشد (معین، ۱۳۸۶: ۷۰۸). نکاح از ریشه نَكَحَ، يَنْكَحُ به مفهوم ازدواج نمودن و زن گرفتن می‌باشد و به مفهوم وطی و عقد نیز پرداخته شده است. راجع به اینکه لفظ نکاح دلالت به وطی داشته یا عقد و یا اینکه مشترک لفظی میان وطی و عقد می‌باشد، اختلاف نظر وجود دارد. اما مقتضای کلام لغویان استعمال لفظ نکاح در «وطی» می‌باشد و مشهور آن می‌باشد که این واژه شرعاً به مفهوم «عقد» می‌باشد (آذر نوش، ۱۳۹۱: ۷۱۴).

۳-۲- مفهوم طلاق

طلاق در لغت به معنای، رها نمودن و گشوده شدن گره آمده است. طلاق همچنین به معنای جدا شدن زن از شوهر، رها گردیدن زوجه از قید نکاح بر اساس شرایط مقرر شده در دین می‌باشد (معین، ۱۳۸۶: ۴۶۵). در اصطلاح شرعی «طلاق» عبارتند از: زایل نمودن قید و پیوند نکاح می‌باشد با صیغه مخصوص: یکی از حقوقدانان در تعریف طلاق بیان می‌دارد: «طلاق عبارتند از پایان دادن به نکاح دائم از طرف زوج می‌باشد» (امامی، ۱۳۸۶: ۵).

۳-۳- مفهوم سکونت



مفهوم سکونت در زبان فارسی، معنایی دوگانه را به ذهن متبادر می‌نماید؛ اقامت و آرامش به بیان دیگر، دست‌کم در زبان فارسی ساکن شدن علاوه بر مفهوم فیزیکی بازایستادن از حرکت، مفهوم آرامش پیدا کردن را نیز بیان می‌کند. اصطلاح «آرام و قرار» حاکی از قرابت مفهومی دو جنبه سکونت می‌باشد (معین، ۱۳۸۶: ۳۱۹).

۳-۴- مفهوم عده

عده، از اسم مصدر اعتداد که ریشه در عدد به معنی احصاء نمودن و شمارش کردن است. اما در نگاه فقهی مفهوم عده زمان معلوم و مشخصی است که در آن مدت زن باید به جهت مطمئن شدن از پاک بودن رحم خود از حمل یا به سبب مرگ شوهر، صبر نماید. عده به دلیل نگه داشتن نسب و خودداری از در هم گردیدن آن‌ها با یکدیگر تشریح گردیده است (محقق داماد، ۱۳۶۸: ۴۳۲). همچنین مطابق ماده ۱۱۵۰ ق.م.؛ عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند. در برخی از منابع دیگر نیز آمده است: «عده عبارت است از مدتی که زن پس از جدایی از شوهر، در حالت انتظار باشد، اعم از اینکه علت جدایی طلاق، فسخ نکاح، موت، بذل مدت یا انقضای آن باشد»؛ انتظار در ادبیات قرآنی، در مقابل واژه تربص قرار داد.

۴- بررسی مبانی و احکام خاص سکونت زوجین در منزل مشترک در ایام عده رجعیه

۴-۱- مبانی سکونت زوجه در منزل مشترک در ایام نکاح

در این قسمت از پژوهش ابتدا برای درک موضوع به بررسی مبانی شرعی و فقهی، پس از آن به بررسی مبانی قانونی سکونت زن و مرد در خانه مشترک در زمان نکاح پرداخته خواهد شد.

۴-۲- مبانی فقهی

مهم‌ترین اساس سکونت زوجین در منزل مشترک آیه ۱۹ سوره نساء می‌باشد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «با همسران خود حُسن معاشرت به میزان متعارف داشته باشید.» با امعان نظر از قاعده فقهی معاشرت به معروف و همچنین این آیه شریفه می‌توان این نتیجه را برداشت نمود که زن و شوهر مکلف به سکنی نمودن در خانه مشترک نیز می‌باشند؛ به همین منظور در عرف، سکونت زن و مرد در خانه مشترک یکی از لوازم حُسن معاشرت محاسبه می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۷۱). بدین ترتیب، اگر مرد منزل مناسب تدارک دید و زن از سکونت در آن امتناع نمود، نشوز زن و تخلف از وظیفه زناشویی راجع به او صادق می‌باشد. علاوه بر این، در روایات متعددی بر لزوم سکونت زوجین در منزل مشترک تأکید شده که در این قسمت به مبانی شرعی و فقهی سکنی زن و مرد در خانه مشترک در زمان نکاح مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

۴-۲-۱- کتاب

حُسن معاشرت مفهومی قرآنی می‌باشد که از آیه ۱۹ سوره نساء از عبارت «عاشروهن بالمعروف» گرفته شده است یعنی «با همسرانتان بااخلاق نیکو معاشرت کنید» و پس‌از آن بیان می‌کند که اگر به جهاتی از همسران خود رضایت کامل نداشته باشید، فوراً تصمیم به جدایی و یا بدرفتاری نگیرید و تا آنجا که می‌توانید، مدارا و به مصالح زندگی مشترک توجه کنید و معاشرت به معروف و رفتار شایسته داشته باشید که



خداوند در عوض این عمل به شما خیر کثیر عطا می‌کند؛ همچنین در آیه ۲۱ سوره روم بیان می‌کند: «از نشانه‌های خداوند این است که برای شما همسرانی آفرید که با آنان آرامش یابید و میان شما عشق و مهربانی برقرار ساخت این نشانه عشق و محبتی می‌باشد که خداوند میان زن و مرد قرار داده و به زوجین، معاشرت به معروف را توصیه نموده است» (خداداد پور، ۱۳۹۳: ۲۳۱-۲۳۲).

۴-۲-۲- سنت

در روایات، حقوق بسیاری برای هر یک از زن و مرد قائل شده‌اند. همچنین فقها نیز در کتب خود، حقوقی را برای آنان متذکر شده‌اند. حسن معاشرت داشتن از اساسی‌ترین اصول حاکم بر خانواده می‌باشد که بغیر از آیات در روایات هم مورد اشاره قرار گرفته است؛ بدین ترتیب روایات گسترده‌ای از ائمه معصومین (ع) راجع به برقراری و بروز محبت و علاقه به همسر و حسن خلق داشتن، خوشرویی و مساعدت و احترام متقابل آنان به یکدیگر و نیز مدارا نمودن و هماهنگی بین زن و مرد وارد گردیده است که جهت جلوگیری از اطاله کلام به چند مورد از آن‌ها پرداخته خواهد شد. از جمله مواردی که در روایات بر آن تأکید شده است و از مصداق‌های حسن معاشرت به شمار می‌رود، ابراز محبت و علاقه همسران نسبت به یکدیگر است؛ از جمله اینکه رسول اکرم (ص) در روایتی در این زمینه می‌فرماید: «زمانی که شوهری به همسر خود با محبت نگاه می‌کند و زوجه او با مهر به او نظاره گر می‌شود خداوند با دیده رحمت به آن زن و مرد نگاه می‌کند.»

۴-۲-۳- اجماع

در روایت‌ها، حقوق بسیاری برای هر یک از زن و شوهر ذکر شده، فقها نیز در کتاب‌های خود، حقوقی را برای آنان بیان کرده‌اند. در بین حقوق مرد تنها دو حق می‌باشد که الزام به تمکین زن و عدم خروج او را از خانه بدون اجازه شوهر از دیدگاه فقهای شیعه مورد اتفاق و مسلم برشمرده است. نکته دیگر که قابل ذکر است این می‌باشد که بیرون رفتن زن بدون اجازه مرد از خانه در شرایطی که نیاز به اجازه دارد اساساً امری حرام و تکلیفی نمی‌باشد، گرچه، شامل حرمت و آثار وضعی می‌باشد که بر آن بار می‌گردد. فتوای مشهور مراجع دینی شیعیان، به‌خصوص مراجع سنتی دینی اجمالاً حرمت مطلق خروج زن بدون اذن شوهر از منزل می‌باشد. در این دیدگاه خروج زن بدون اجازه شوهر از منزل نشوز تلقی گردیده و باعث محرومیت او از نفقه می‌گردد (مروارید، ۱۴۰۲: ۴۱۸).

۴-۲-۴- سیره مسلمان

از سیره مسلمان در طول تاریخ اسلام می‌توان به این نتیجه دست یافت که زن همیشه در منزل شوهر سکونت می‌نموده و هیچ زمانی از رفتن از منزل پدری یا منزلی که برای خود او بوده به منزل همسر خودداری نمی‌نموده است. حتی قبل از اسلام همچنین زوجین در یک مکان و با یکدیگر زندگی می‌نمودند، در حقیقت یکی از اهداف نکاح ایجاد زندگی مشترک می‌باشد که در آن زن و مرد در یک خانه سکنی داشته و کمتر موردی می‌باشد که آن‌ها جدا از یکدیگر سکنی داشته باشند.

۵- مبانی حقوقی

در این قسمت از پژوهش به مبانی حقوقی سکنی در منزل مشترک در مدت عده رجعی در حقوق ایران، می‌پردازیم.

۵-۱- تبصره ۳ قانون اصلاح مقررات راجع به طلاق (۱۳۷۱)



گواهی کتبی سکونت زن طلاق گرفته در منزل مشترک تا خاتمه یافتن عده جهت گرفتن گواهی کتبی الزامی می باشد و در صورت تحقق یافتن رجوع صورت جلسه طلاق باطل و در شرایطی که رجوع در مهلت مقرر شده صورت نگیرد صورت جلسه طلاق کامل گردیده و ثبت می شود؛ صورت جلسه کامل شده طلاق با امضاء زن و مرد و کسی که حکم نموده و افراد عادل و همچنین سردفتر و نیز مهر دفترخانه معتبر می باشد. براساس ماده مذکور، مطلقه رجعی تکلیف دارد در زمان عده در خانه مشترک سکنی نماید. اگر چه این قانون نسخ گردیده ولی بیان آن به جهت بررسی تاریخچه تکالیف راجع به سکنی در خانه مشترک مفید به نظر می آید؛ به ویژه از آن جهت که با وضع نمودن ماده ۳۸ ق.ح.خ؛ در این امر الزام ابهاماتی به وجود آمده است.

۵-۲- ماده ۳۸ قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱)

«در طلاق رجعی، صیغه طلاق مطابق مقررات مربوط جاری و مراتب صورت جلسه می گردد اما ثبت طلاق منوط به دادن گواهی کتبی شهادت حداقل دو نفر به سکنی زن مطلقه در خانه مشترک تا خاتمه عده می باشد، مگر اینکه زوجه خود رضایت به ثبت آن داشته باشد. که در صورت تحقق رجوع، صورت جلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع صورت جلسه تکمیل و طلاق ثبت می گردد. صورت جلسه تکمیلی به امضای سردفتر، زوجین یا نماینده آنان و دو شاهد طلاق می رسد. در صورت درخواست زوجه گواهی اجرای صیغه طلاق و عدم رجوع زوج، به وی اعطاء می گردد.»

در ماده فوق الذکر قانون گذار به سکنی زن در منزل مشترک در طی مدت عده اشاره نموده و گواهی کتبی آن را جهت ثبت طلاق الزامی دانسته، مگر اینکه زن خود رضایت به ثبت داشته باشد.

۵-۳- ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی

نفقه ای که مطلقه رجعی در مدت عده دریافت می نماید بر عهده زوج می باشد، بغیر از زمانی که طلاق در حالت ناشزه بودن زن اجرا شده باشد. همچنین ق.م در ماده ۱۱۰۷ مسکن را یکی از مصداق های نفقه دانسته، اگرچه نمی توان به تنهایی از این ماده سکنی نمودن به صورت مشترک را برداشت کرد. ولی همانگونه که پیش تر نیز بیان گردید. بطور معمول خانه ای که مرد فراهم می نماید، همان خانه ای می باشد که خود او در آن سکونت داشته و زن همچنین برای اینکه مستحق گرفتن نفقه باشد باید از شوهر خود تمکین کند و حقی که شوهر دارد را رعایت کند، از جمله این موارد این می باشد که بدون اجازه شوهر از منزل بیرون نرفته، بطوری که در مدت زمان زوجیت الزام به رعایت این موارد بوده است.

۶- بررسی تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر در زندگی مشترک

زوجین در زندگی مشترک نسبت به یکدیگر دارای تکالیف و وظایفی می باشند که اهم این تکالیف شامل، حُسن معاشرت، معاضدت زوجین در تربیت فرزند، وفاداری می باشد که به هر یک از موارد گفته شده در چند بند پرداخته خواهد شد.

۶-۱- حُسن معاشرت



حُسن معاشرت از اساسی ترین اصولی است که بارها در قرآن کریم از طریق آیات متعدد به آن پرداخته شده و در این آیات پایدار بودن روابط بین زن و مرد را وظیفه آن ها دانسته و در دوازده مورد به تثبیت نمودن این اصل اساسی در خانواده پرداخته شده است. ماده ۱۱۰۳ ق.م.همچنین این گونه اشعار می‌دارد: «زن و شوهر مکلف به حُسن معاشرت با یکدیگرند» روشن می‌باشد که برای تأمین دوام خانواده، سکونت مشترک زن و شوهر کافی نیست؛ آنان در ضمن ازدواج، داوطلب شده‌اند که با هم به سر برند و در غم و شادی هم شریک باشند. همسری زن و مرد به معنای آن است که سلوک و رفتارشان با هم با خوش‌رویی و مسالمت و مهربانی باشد و از اعمالی که باعث ایجاد نفرت و کینه یا غم و اندوه، نگرانی و اضطراب در دیگری می‌شود، بپرهیزند نکته مهم این است که تعیین مصادیق سوء معاشرت و یا حسن معاشرت از سوی قانون به دلیل تأثیر عادات، رسوم اجتماعی و ... به طور دقیق ممکن نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۶۰). بنابراین، نمی‌توان شکل واحد و استاندارد را برای حسن معاشرت از سوی مراجع قانون گذاری تعیین نمود، بلکه تعیین نوع و کیفیت آن را قانون با رجوع اشخاص به عرف معقول و توجه به مقتضیات زمانی و مکانی حل می‌نماید. به علاوه همه حقوقدانان معتقدند که در حریم خانواده، نفوذ قانون و التزام برای تحقق مفاد آن بدون پشتوانه اخلاق، امری غیرممکن است و ورود دولتمردان و مسئولین قضایی به حمایت از آیین‌نامه‌های حقوقی، کمتر توانسته است به معضلات خانواده پاسخ مناسب دهد و هرچه این قانون از دست رود جنجال‌ها و کشمکش‌های حقوقی مصون‌تر باشد، ثبات و استحکام بیشتری دارد و افراد آن از شخصیت کامل‌تری بهره‌مندند. با اندکی مسامحه می‌توان پاره‌ای از مصادیق حسن معاشرت را این گونه به شمار آورد (جوکار، ۱۳۹۰: ۸۲ و ۸۳). الف) خوش‌خلقی و گشاده‌رویی؛ ب) احترام به همسر و تکریم شخصیت او؛ ج) زینت و آراستگی؛ د) د همدلی و مشارکت در انجام امور داخلی خانواده؛

۶-۲- معاضدت زوجین در تربیت فرزند

مراد از تشدید مبانی خانواده، تلاش زن و شوهر در نزدیک ساختن منش و روش و خلق‌وخوی آن‌ها به یکدیگر است، به گونه‌ای که از ارتباط صمیمی و تفاهم آن دو در ابعاد مختلف، یکی شدن و وحدت و در نتیجه استحکام پیوند زناشویی حاصل گردد (همان: ۹۲). زوجین، علاوه بر یاری یکدیگر برای اداره خانواده، باید به هنگام بیماری و درماندگی از مواظبت و پرستاری همسر خود دریغ نوزند تعیین حدود این وظیفه نیز با عرف است؛ بنابراین، مبانی خانواده که قانون زن و شوهر را مکلف به تحکیم آن نموده، اموری است که خانواده بر پایه آن قرار گرفته است و استواری و استقامت خود را حفظ می‌نماید. این امور فراتر از رعایت حقوق واجب همسر است و شامل حقوق غیر واجب نیز می‌شود و روابط کلامی و غیرکلامی زوجین را نیز در بر می‌گیرد. بر این اساس، تلاش زوجین برای یاری‌رساندن به همدیگر، برای اداره امور خانواده و نیز توجه به مسائلی همچون رعایت احترام متقابل، وجود رابطه صمیمی و محبت‌آمیز با یکدیگر، صداقت داشتن، گذشت، توجه به تأمین نیازهای عاطفی و جنسی یکدیگر و ... از اموری است که سبب محکم‌تر شدن پیمان زناشویی بین آن‌ها شده و به استحکام خانواده می‌انجامد. از این رو، زن موظف به پذیرش مدیریت و قوامیت مرد است و باید او را در انجام این وظیفه یاری رساند و مرد نیز وظیفه دارد به نیازهای مختلف همسر توجه نماید و با فراهم نمودن فضای مودت و محبت در خانواده و تحمیل نکردن خواسته‌های غیرمنطقی و پرهیز از آزار و اذیت همسر، به بهداشت روانی خود، همسر و فرزندان، کمک کند و موجبات تویید و استحکام خانواده را فراهم کند (همان: ۹۳). به اعتقاد حقوقدانان، باید پذیرفت که وظیفه مربوط به معاضدت زوجین، با تکالیف ناظر به حسن معاشرت و سکونت مشترک همبستگی و ارتباط فراوان دارند (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱۶۲). در این بحث نباید از علاقه و ابراز محبت زوجین نسبت به یکدیگر که اصلی مهم و اساسی است، غفلت نمود؛ زیرا ابراز علاقه و محبت زوجین به یکدیگر ضامن تحکیم خانواده و حفظ عفت و پرهیزگاری زوجین می‌باشد. آموزه‌های دینی این نیاز را مورد توجه قرار داده و زوجین را همواره به رعایت این امر مهم توصیه و تشویق می‌نماید. پیامبر اکرم فرمود: «این گفته مرد به همسرش که دوستت دارم هرگز از قلب او خارج نمی‌شود اگر زن در معرض نسیم روح‌افزای محبت و علاقه همسرش قرار گیرد، فرزندان را در معرض نسیم مهربانی و محبت‌های



بی‌دریغ خود قرار خواهد داد. شهید مطهری (ره) در این زمینه بیان کرده است: مرد مانند کوهسار است و زن به‌منزله چشمه و فرزندان به‌منزله گل‌ها و گیاهان چشمه باید باران کوهساران را دریافت و جذب کند تا بتواند آن را به‌صورت آب صاف و زلال بیرون دهد و گل‌ها و گیاهان و سبزه‌ها را شاداب و خرم نماید. اگر باران به کوهستان نبارد، یا وضع کوهسار طوری باشد که چیزی جذب زمین نشود، چشمه خشک و گل‌ها و گیاهان می‌میرند، پس همان‌طوری که رکن حیات دشت و صحرا باران و بالأخص باران کوهستانی است، رکن حیات خانوادگی احساسات و عواطف مرد نسبت به زن است. (مطهری، ۱۳۹۶: ۲۵۶). (نیاز زن به محبت، عاطفه و عشق‌ورزی و نیاز مرد به تحسین به علت تفاوت‌های روانشناسی زن و مرد است. بهترین الگوی روابط عاطفی زوجین در خانواده است و ابراز محبت آنان و حضرت زهرا س (زندگی سراسر عشق حضرت علی) ع) به یکدیگر از درخشان‌ترین صفحات زندگی مشترک در طول تاریخ می‌باشد (جوکار، ۱۳۹۰: ۹۴)

۶-۳- وفاداری

اگرچه در قانون مدنی، هیچ اشاره‌ای به تکلیف وفاداری زن و شوهر نگردیده و تعریفی از آن ارائه نشده است، اما باید توجه داشت که سکوت قانون‌گذار به خاطر بدیهی بودن این تکلیف است. مراد از وفاداری منحصر نمودن رابطه جنسی با همه مظاهر آن با همسر است؛ از این رو در فرهنگ اسلام، رابطه آزاد بین زنان و مردان با غیر همسر خویش، در هر حال ممنوع و ناپسند می‌باشد. لطمه‌ای که به علت رابطه نامشروع زن یا شوهر با (فرد) دیگری، بر بنیان خانواده وارد می‌شود، از نظر حقوقی نیز بی‌مکافات نیست. پس نباید تکلیف وفاداری همسر را فقط تکلیف اخلاقی پنداشت؛ زیرا حقوق نیز رابطه جنسی کسی را که ازدواج کرده، با کسی غیر از همسر، ممنوع کرده است. بر همین اساس، خداوند متعال در سوره نور به مسلمانان توصیه نموده است که از هرگونه رابطه با نامحرم که منجر به افتادن در ورطه گناه و انحراف اخلاقی و جنسی است، بپرهیزند و زن و شوهر را موظف به رعایت حدود و مرزهای الهی نموده است که باید نسبت به یکدیگر وفادار باشند و از هرگونه رابطه غیر مشروع بازن یا مرد دیگری خودداری نمایند. در قانون مجازات اسلامی، کیفر زن شوهردار (محصنه) که با مرد دیگری رابطه نامشروع دارد، یا مرد زنی (محسن) که با زن دیگر رابطه نامشروع برقرار کرده است، ممکن است تا اعدام نیز (در صورت وجود شرایط خاص)، معین شود.

این امر، اهمیت تکلیف مربوط به وفاداری و ارتباط آن بانظم عمومی را به‌خوبی نشان می‌دهد. عدم وفاداری زن و شوهر به یکدیگر به شکل‌های گوناگونی خود را نشان می‌دهد از جمله: عدم رعایت حریم و حدود شرعی در سخن گفتن با نامحرم، پوشش نامناسب در مواجهه با او و یا خیانت به همسر با نگاه هوس آلود به نامحرم و یا بیگانه را به خود راه دادن و... (جوکار، ۱۳۹۰: ۹۴).

بررسی حقوقی آثار و ضمانت اجرا سکونت زوجین در منزل مشترک در ایام عده رجعیه

۷- آثار حقوقی طلاق رجعی

طلاق رجعی دارای آثاری می‌باشد که ذیل آن به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۷-۱- بقاء آثار زوجیت

در شرایطی که طلاق، برابر قانون مدنی، بائن نباشد رجعی می‌باشد. در طلاق رجعی تا زمانی که عده زن منقضی نگردیده، رابطه نکاح کاملاً قطع نشده است و به تعبیر قانون امور حسبی، «زوج‌های که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است» (بند ۲ ماده ۸)، بدین ترتیب، در



ایام عده رجعیه، حقوق و تکالیف زوجیت تا آنجا که با ماهیت طلاق سازگار باشد به حکم قانون باقی می ماند (امامی و صفایی، ۱۳۹۱: ۲۵۸).
نقشه زن بر عهده شوهر است و دادگاه در صورت اختلاف باید میزان این نفقه را تعیین کند و اگر یکی از زوجین فوت کند، دیگری از او ارث می برد (ماده ۹۴۳ ق.م). همچنین زنا با زنی که در عده رجعیه می باشد در حکم زنا با زن شوهردار و موجب حرمت ابدی می باشد؛ مرد قبل از پایان عده زن نمی تواند با خواهر او ازدواج کند و می توان گفت ازدواج شوهر با زن دیگر قبل از انقضای عده زن اول احتیاج به اجازه دادگاه دارد. در حقیقت ایام عده رجعیه مهلتی می باشد که قانون گذار به زوجین داده تا تصمیم نهائی خود را درباره قطع یا ادامه رابطه زناشویی بگیرند. در صورت تحقق رجوع، رابطه ازدواج سابق، با کلیه آثاری که داشته است، ادامه خواهد یافت و نیازی به ازدواج مجدد نخواهد بود (همان، ۲۵۸).

۷-۲- امکان رجوع

رجوع یک عمل حقوقی یک جانبه و ایقاع است که با لفظ یا عملی که دلالت بر رجوع کند، حاصل می شود (ماده ۱۱۴۹). به طور مثال مرد با لفظ یا نوشته یا عملی، مانند بوسیدن یا نزدیکی، می تواند قصد خود را بر رجوع و انصراف از طلاق اعلام کند. بدین ترتیب رجوع، برخلاف طلاق، یک عمل تشریفاتی نمی باشد و بدون هیچ گونه تشریفات و شرط صوری تحقق می پذیرد. اگرچه قصد رجوع و به تعبیر دیگر قصد نتیجه، بر اساس قانون مدنی، برای تحقق رجوع لازم می باشد. پس صرف بوسیدن یا نزدیکی بدون قصد رجوع کافی برای تحقق آن نمی باشد (همان، ۲۵۹). قبل از تصویب لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص، بر اساس تبصره ماده ۸ قانون حمایت خانواده، رجوع یک قرارداد تشریفاتی محسوب می شد، زیرا فقط با توافق کتبی طرفین انجام می پذیرفت؛ بدین ترتیب، ماهیت رجوع از یک ایقاع غیر تشریفاتی به یک عقد تشریفاتی تبدیل شده بود. اما با بازگشت به نظام قانون مدنی و لزوم رعایت احکام شرع راجع به طلاق، به نظر می آید که درباره رجوع نیز مقررات قانون مدنی که مبتنی بر فقه امامیه می باشد لازم الرعایه می باشد و توافق کتبی زوجین برای رجوع که در حقوق سابق هم قابل انتقاد بود دیگر لازم نمی باشد (همان، ۲۵۹).

۷-۳- قابل اسقاط بودن یا نبودن رجوع

مسئله قابل بحث این می باشد که آیا شوهر در طلاق رجعی می تواند حق رجوع خود را ساقط کند یا نه؟ در فقه این مسأله زیر عنوان حق یا حکم بودن رجوع مطرح گردیده که مسأله ای اختلافی می باشد. برخی از فقها بر آن اند که رجوع حق می باشد و از این رو شوهر می تواند آن را ساقط کند، یا مورد صلح قرار دهد. برخی دیگر آن را حکم (قاعده آمره) و غیر قابل اسقاط دانسته اند. در حقوق جدید نیز مسأله مورد بحث و اختلاف می باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۲۶۹-۲۷۰). نظری که اقوی و با اصول حقوقی سازگارتر می باشد غیر قابل اسقاط بودن رجوع است، زیرا: اولاً؛ رجوع یک حق و امتیاز فردی نیست که به نفع شوهر در نظر گرفته شده باشد، بلکه اختیاری است که در راه مصلحت خانواده و بقاء آن به شوهر داده شده است و به دیگر سخن، رجوع در طلاق رجعی یک قاعده امری می باشد که طبق مصلحت اجتماعی مقرر گردیده است و از این رو اراده شوهر نمی تواند آن را ساقط نماید و توافق برخلاف آن هم فاقد اعتبار می باشد. بدین ترتیب می توان گفت کلمه حق که در ماده ۱۱۴۸ ق.م. به کاررفته به معنی حق و امتیاز فردی نیست، بلکه به معنی اختیار می باشد (محقق داماد، ۱۳۶۸: ۴۴۰).

ثانیاً؛ هرگاه رجوع قابل اسقاط باشد و اسقاط آن طلاق رجعی را به باین تبدیل کند، این امر به حق زن لطمه می زند؛ زیرا در این صورت زن دیگر نمی تواند از حقوق زوجیت مانند نفقه و ارث برخوردار گردد. پس از این لحاظ هم نمی توان برای شوهر حق اسقاط رجوع قائل شد، مگر



اینکه بگوییم اسقاط رجوع فقط مانع رجوع شوهر به طلاق می‌باشد اما ماهیت طلاق رجعی و آثار مترتب بر آن را تغییر نمی‌دهد. ثالثاً؛ فتاوی فقهای حاضر نیز مؤید این نظر می‌باشد (همان).

۷-۴- ثبت رجوع

ثبت رجوع در دفتر رسمی طلاق امروز هم همانند گذشته، شرط صحت آن نمی‌باشد. لیکن عدم ثبت برابر قانون جرم شناخته شده و برای متخلف حبس تعزیری تا یک سال یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک تا سه میلیون ریال مقرر گردیده است (ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۴ و ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات و مجازات بازدارنده مصوب ۱۳۷۵). قانون ازدواج فقط مرد را مکلف به ثبت رجوع دانسته و برای او تعیین مجازات کرده بود. از آنجاکه تفسیر موسع از قوانین کیفری به زیان اشخاص روا نیست، به نظر می‌آید که امروز هم مرد را باید مجرم اصلی راجع به عدم ثبت رجوع تلقی نمود و زن تنها به‌عنوان معاون جرم ممکن است قابل تعقیب باشد (امامی و صفایی، ۱۳۹۱: ۲۶۰).

۸- وضعیت حقوقی مطلقه رجعیه

آیا مطلقه رجعیه در حکم زوجه است یا زوجه حقیقه؟ دو نظر در اینجا وجود دارد:

۱. در طلاق رجعی رابطه نکاح با وقوع طلاق منحل می‌گردد اما به حکم قانون تا زمانی که زن در عده می‌باشد آثار زوجیت و حقوق و تکالیف ناشی از ازدواج ادامه می‌یابد و اصطلاحاً می‌گویند مطلقه رجعیه در حکم زوجه می‌باشد (همان، ۲۰۳).

۲. رابطه نکاح با طلاق رجعی منحل نمی‌شود بلکه با طلاق و انقضاء عده قطع می‌گردد و تا زمانی که زن در عده می‌باشد، زوجیت با کلیه آثار آن باقی است؛ و اصطلاحاً می‌گویند مطلقه رجعیه زوجه حقیقه می‌باشد (همان، ۲۰۴).

در حقوق ایران نظریه اول مورد قبول واقع گردیده؛ به این دلیل که اولاً قانون‌گذار ایران مجرد طلاق را موجب انحلال نکاح دانسته است (ماده ۱۱۲۰ ق.م)، ثانیاً؛ قانون امور حسبی صریحاً مقرر داشته است زنی که در عده رجعیه است در حکم زوجه می‌باشد (بند ۲ ماده ۸).

ضمانت اجرای سکونت در منزل مشترک

زندگی کردن بصورت مشترک در ارتباط با زن و شوهر حقوق و تکالیفی سخت را بر گردن آنان می‌گذارد که یکی از موارد سکنی نمودن به صورت مشترک، به‌عنوان ابتدایی‌ترین اقتضای هر خانواده، است. سکنی نمودن زن در خانه مشترک با شوهر یکی از مصداق‌های تمکین عام می‌باشد و تخلف نمودن زوجه از انجام این تکلیف در شرایطی که هیچگونه عذر موجهی وجود ندارد، نشوز به حساب می‌آید. تکلیف راجع به سکنی از طریق وسایل گوناگون از سوی قانون‌گذار اعتبار بخشیده شده است از جمله:

• به حکم قاعده، زوجه ای که حاضر به سکنی در منزل زوج نمی‌باشد، یا زوجی که زوجه خود را قبول نمی‌کند، امکان دارد به شکل مستقیم و به اجبار ناگزیر از انجام آن گردد؛ اما جنبه شخصی بودن این تکلیف مانع از این می‌باشد که خواهان اجبار کند و از اجبار مستقیم او نتیجه دلخواه خود را بگیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۹۰). هر چند که تنها ضمانت اجرایی که در ق.م به آن تصریح گردیده، همان عدم مستحق بودن به نفقه می‌باشد، باین وجود رویه عملی دادگاه‌ها چنین پایدار گردیده که دعوی الزام به تبعیت از زوج را قبول می‌کند و زن را محکوم به تمکین می‌کند. تحلیلی که محاکم در قبول این دعوی دارند این می‌باشد که خود را مرجع عام همه اقسام تظلمات محسوب کرده و در جاییکه زن



تکالیف قانونی خود را در برابر زوج انجام نمی‌دهد، این دعوی را نیز به‌نوعی دادخواهی زوج محسوب نموده، رسیدگی در رابطه با آن را همچنین در چهارچوب وظایف خود قلمداد می‌کند. عده‌ای در مخالفت نمودن با امکان طرح دعوی تمکین اعتقاد دارند، دعوی الزام نمودن زن غیر متمکن از ادای وظایف زوجیت، قابل بیان نمودن در دادگاه نمی‌باشد؛ به این دلیل که براساس اصول کلی حقوقی فقط به دعاوی رسیدگی می‌گردد که دادگاه‌ها بتوانند نسبت به آن‌ها اجرائیه صادرکنند و مدعی علیه را ملزم به اجرای عمل مورد تعهد کنند، این صورتی می‌باشد که صدور حکم الزام نمودن به تمکین و سکنی نمودن در منزل مشترک فاقد چنین جنبه‌ایمی باشد و بدین ترتیب الزام زن به تمکین قابل طرح در دادگاه نیست؛ به نظر آن‌ها اگر تعهد زن به تمکین را یک نوع تعهد به فعل قلمداد کنیم، نمی‌توان در صورت عدم تمکین و سکنی نمودن مشترک ضمانت اجرای تعهدات به فعل را اعمال کرد؛ به این دلیل که همان‌گونه که بیان گردید الزام زن به تمکین سخت است، انجام فعل تمکین توسط زوجه دیگری به هزینه زن متعهد به تمکین نیز منع اخلاقی خواهد داشت. در رابطه با عدم امکان الزام زن به تمکین، عده‌ای اجرا نمودن این حکم را خلاف شأن و منزلت انسانی قلمداد نموده و سبب جریحه‌دار کردن احساسات عمومی محسوب کرده‌اند (دیانی، ۱۳۸۳: ۱۲).

• دادگاه می‌تواند به‌منظور اجبار زن یا شوهر، از جریمه مالی استفاده کند، بدین معنی که برای هرروز تأخیر در اجرای حکم دادگاه مبلغی را معین سازد که شخص متخلف به‌طرف دیگر بپردازد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

• بیان گردیده زوجی که از قبول نمودن زوجه در منزل خویش جلوگیری می‌کند، الزام دارد که خانه دیگری برای وی آماده کند. هرچند در ابتدای امر چنین ضمانت اجرایی مفید به نظر نمی‌آید ولی در صورتی که زوج ملالت و توانایی جهت آماده نمودن خانه جداگانه برای زن نداشته خواهد توانست ضمانت اجرای مؤثری باشد.

• زوجه ای که از اجرای این وظیفه خودداری می‌کند هیچ حقی به گرفتن نفقه ندارد (امامی، ۱۳۷۵: ۴۵۳)؛ به این معنا که زوج خواهد توانست در مقابل تخلف نمودن زوجه، از پرداخت نمودن مخارج زندگی وی خودداری کند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۹۱). اگر زوجه بدون عذر موجه حاضر نگردد که با زوج خویش زندگی نماید و از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۴۷۳).

• زن حق دارد از مردی که کانون خانواده را رها کرده و حاضر به سکونت مشترک با زن نیست به‌عنوان سوء‌معاشرت، ترک خانواده و ایجاد «تنگدستی» درخواست طلاق کند (ماده ۱۱۳۰ ق.م.؛ زوج، زوجه ای که از سکنی نمودن با شوهر خود امتناع دارد خواهد توانست با مراجعه کردن به دادگاه اجازه طلاق را درخواست کند.

• علاوه بر تمام ضمانت‌های اجرایی ویژه این تکلیف، زن یا شوهری که به تعهد خویش در باب سکونت مشترک با همسر عمل نکرده است، بر طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، ممکن است به جبران خسارت مادی یا معنوی (ناشی از تقصیر خویش محکوم شود. همین قاعده در مورد سایر تکالیف، از جمله حسن معاشرت و معاضدت نیز جاری است.

• با توجه به ماده ۳۸ ق.خ.ج و تبصره ۴ قانون نسخ شده اصلاح مقررات مراجع به طلاق گواهی کتبی سکنی زن در خانه مشترک در مدت عده الزامی است و در صورت رعایت نمودن این تکلیف از پر کردن صورتجلسه طلاق و ثبت آن جوگیری بعمل خواهد آمد. چنانچه عذر موجهی باشد مانعی برای ثبت نیست. از یکی از فقها راجعه این موضوع سؤال گردیده شد که هرگاه براساس ادعای شوهر، زن مرتکب عمل منافعی عفت گردیده و شوهر نسبت به او شک داشته باشد و نگهداری وی تا خاتمه عده در خانه مشترک، احتمال تشنج و درگیری بین دو



طرف را به دنبال داشته باشد و مرد جهت خودداری کردن از این مشکل، متقبل هزینه خانه مستقل و سکنی همسرش در آن خانه گردد. آیا در صورت صدور حکم طلاق رجعی توسط دادگاه صالحه و سکنی زن در مدت عده در خانه مستقل به هزینه مرد، اجرا نمودن صیغه طلاق و ثبت آن از نظر شارع انور اسلام منعی شرعی داشته؟ پاسخ آن است که: در فرض نمودن مسئله، به این دلیل که احتمال خطر یا ضرر و یا فسادهایی وجود داشته، عمل نمودن به طریق فوق منعی نخواهد داشت (همان، ۲۷۹).

• اجازه دادن به ازدواج دوباره؛ رویه عملی بعضی از دادگاهها در صورتی که امکان الزام زن غیر متمکن از انجام دادن وظایف زوجیت موجود نیست، اجازه ازدواج دوم به زوج می باشد. این ضمانت اجرا بر این فرض ناستوار گردیده که اساساً ازدواج دوم زوج نیاز به اجازه دادگاه داشته باشد در غیر این صورت چنانچه معتقد باشیم که تحصیل اجازه قبلی از دادگاه لازم نمی باشد، این ضمانت اجرا نیز در حقیقت ضمانت اجرای حقیقی نمی تواند باشد. بر فرض که این امر یک راه حل حقوقی محسوب شود، اما تجربه نشان گر این امر می باشد که اگر زوج مبادرت به ازدواج مجدد کند، زنی که متمکن از ادای وظایف زوجیت، هر چه زودتر به زندگی مشترک خویش بر می گردد و مشکل زوج چند برابر خواهد شد. شوهری که حتماً توان اداره زندگی یک زن را نداشته که سبب گردیده تا زوجه او ناشزه گردد حال مواجه با یک وضعیت ناخواسته بدتری خواهد شد. از سوی دیگر امکان دارد زوج تمایلی به ازدواج مجدد نداشته باشد و یا به جهت تعلق خاطر به همان زن غیر متمکنه، به دلایلی همانند داشتن فرزند، یا پیوندهای عمیق عاطفی، حاضر به ازدواج با غیر آن زوجه خود نگردد؛ بدین ترتیب باید معتقد بود که مجوز ازدواج دوم و یا اختیار زوجه دوم به هیچ عنوان نخواهد توانست راه حل مناسبی باشد.

• عدم تمکن داشتن اجرت المثل و نخله؛ یکی از ضمانت اجرای تأثیرگذار جهت الزام نمودن زن به تمکین می باشد و عدم مستحق بودن به دریافت اجرت المثل می باشد؛ به این دلیل که شرط دریافت اجرت المثل و نخله، عدم خطای زن محسوب گردیده و عدم تمکین (عام و خاص) از مصادیق بارز خطا در انجام وظایف زوجیت هست. در تبصره ۶ ماده واحده طلاق، امکان دریافت اجرت المثل طبق بند الف (و دریافت نخله) طبق بند ب آن (منوط به عدم تخلف نمودن زوجه از وظایف همسری گردیده؛ لذا، چنانچه شوهر در صورت عدم تمکین زن خود بخواهد او را طلاق دهد، زن مستحق به دریافت اجرت المثل و یا نخله نمی باشد. لازم به ذکر است که قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ با تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ به جز بند «ب» تبصره ۶ نسخ شده است. امکان تعزیر زوجه مستنکف؛ برخی از فقها تعزیر زوجه مستنکف از ادای وظایف زوجیت را ممکن دانسته اند.

۹- نتیجه گیری

در پایان می توان به این جمع بندی و نتیجه گیری رسید که اساس رابطه زن و شوهر بر پایه احترام و عدالت و شایستگی بنا شده است و این مهم، خود زمینه ساز توجه به سایر حقوق یکدیگر خواهد بود؛ به شرط آنکه زن و شوهر هر دو از وظایف و حقوق خود نسبت به همسر آگاهی لازم داشته باشند و فارغ از دستاویز قرار دادن برخی از تفاوت های حقوقی خود با یکدیگر و پذیرش این تفاوت ها که باعث می شود روح تفاهم و تعهد در آنها نهادینه شود و حقوق یکدیگر را بهتر رعایت کنند. اما یکی از علل پایان یافتن نکاح، طلاق است که دو نوع می باشد. یکی رجعی و دیگری بائن، در طلاق رجعی شوهر می تواند تا مدتی که زمان عده خاتمه نیافته بدون اینکه صیغه عقد نکاح جدیدی داشته باشد به زوجه خود رجوع نماید. طلاق رجعی یکی از راه هایی می باشد که اسلام جهت مصلحت خانواده و جامعه مقرر نموده است تا ضمن حفظ نمودن زمینه احیای مجدد زندگی زناشویی، منزلت زن با نشان دادن علاقه از طرف شوهر حفظ شود. از این رو؛ از اهداف اصلی نکاح، ایجاد نمودن خانواده و در نزد یکدیگر قرار گرفتن است که بخش گسترده ای از سکنی نمودن، اطمینان داشتن به ارتباط عاطفی و صمیمی می باشد که از اینجا نشأت می گیرد. در زمان عده نفقه مطلقه رجعی همانند زمان زوجیت بر عهده شوهر می باشد. لذا شوهر موظف است که



همچنان مسکن زن را به عنوان یکی از مصداق های نفقه ایجاد نماید. ق.م در قسمت وظایف زوج حکم قاطعی درباره سکنی نمودن در خانه مشترک نداشته ولی عرف آن را از لوازم حُسن معاشرت با زوجه دانسته؛ بدین ترتیب بر شوهر واجب است که برای زوجه خود مسکنی متناسب با منزلت او محیا نماید و در مقابل بر زوجه نیز واجب است در خانه ای که زوج آماده کرده سکونت کند، اگرچه در محل تولد و نشو و نما خود نباشد و اگر امتناع نماید در این صورت چون زوج این حق را به زوجه واگذار نموده و این شرط را پذیرفته باید بر اساس میل و درخواست زن، منزل تهیه کند. همچنین از آنجایی که اختیار و حق طلاق بدون هیچ قید و شرطی در اختیار مرد است. این مسئله بین فقها اجماعی است و مشهور فقها بر این عقیده اند که حق طلاق از جمله حقوق اختصاصی زوج است به گونه ای که هر وقت بخواهد می تواند طلاق بدهد، با این حال، در برخی موارد زن حق درخواست طلاق دارد. آنچه در بحث طلاق قضایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است ماهیت آن می باشد که در این خصوص اتفاق نظری وجود ندارد. در حقوق ما طلاق به دو نوع قائل و رجعی تقسیم شده حقوقدانان تلاش کرده اند که طلاق قضایی را در یکی از این دو قالب جای دهند این در حالی است که پذیرش هر یک از این دو دیدگاه دارای اشکالات عدیده ای است که نمی توان به راحتی از آن گذشت. رعایت نمودن تکلیف ذکر گردیده در مدت عده، با زمان نکاح تفاوت دارد و به این دلیل که در مدت نکاح توافق نمودن برخلاف آن ممکن بوده و زن و مرد می توانند با توافق یکدیگر در مسکن جداگانه سکنی نمایند. در صورتی که این گونه توافق در زمان عده معتبر نمی باشد. هر چند بعضی از حقوقدانان سکنی نمودن در مسکن مشترک در مدت نکاح را همچنین جزء قواعد آمره دانسته ولی با توجه به اینکه خود قانون گذار توافق نمودن راجع به سکونت در مدت زوجیت را در ماده ۱۰۰۵ ق.م قبول نموده اند پس جای تردیدی نمی باشد که برخلاف نظم عمومی نیست و جزء قواعد آمره به حساب نمی آید. از طرف دیگر سکنی در خانه مشترک مقتضای ذات عقد نکاح نمی باشد و توافق نمودن برخلاف آن باعث باطل شدن عقد نمی گردد. آنچه از ادله شرعی استفاده شود این است که مطلقه رجعیه در زمان عده زوجه حقیقی است و تمام آثار زوجیت بر او و شوهرش مترتب می شود. در نتیجه می توان از قاعده ای به نام «المطلقة الرجعية زوجة حقیقة» نام برد. ضمانت اجرایی که سکنی نمودن در خانه مشترک در صورت نکاح به دنبال دارد، ساقط شدن حق دریافت نفقه برای زن، الزام نمودن زوجه به سکونت در منزل مشترک، جبران نمودن خسارت و همچنین دریافت حکم دادگاه در رابطه با طلاق می باشد. و در صورت عده گذشته از عقوبت آخروی که به دنبال دارد، عدم مستحق بودن به دریافت نفقه را برای زن و نیز عدم ثبت طلاق می باشد. بغیر از اینکه زن رضایت به ثبت طلاق داشته باشد. از آن جایی که اصل بر این می باشد که مطلقه رجعی تمام تکالیف و حقوقی را دارا می باشد که زوجه دارا است، مگر آن چیزی که مستثنی گردیده و در صورتی که تردید در باقی یا پایان آن می باشد به کمک اصل استصحاب باقی بودن آن استصحاب می گردد. نتیجتاً می توان بیان نمود که مطلقه رجعی همچنان حق مشخص کردن مسکن را در مدت عده داشته ولی این حق با تکلیف راجع به سکونت در خانه مشترک قابل جمع نمودن می باشد. و او حق نخواهد داشت از قبول نمودن همسر خود در خانه مشترک جلوگیری کند.



References

The Holy Quran.

Emami, Seyyed Hassan, (2008), "Civil Rights", Volume 4, Tehran, Islamia bookstore.

Emami, Seyyed Hasan, (2011), "Civil Laws", Volume 1, Tehran, Islamia bookstore.

Azar Noush, Azartan, (2011), "Contemporary Persian-Arabic Culture", Tehran, Ni Publishing.

Khodadadpour, Manijeh, (2014), "Civil responsibility in couple relationships, a comparative study in some European and Islamic countries", Qom, Tebian Cultural and Information Institute.

Dayani, Abdur Rasool, (2007), "Family Laws", Tehran, Mizan Publications.

Safai, Seyyed Hossein and Emami, Asadullah (2009), "Summary of family law", Tehran, Mizan publishing house.

Taheri, Habibullah, (2012), "Civil Laws", Volume 3, Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society.

Katouzian, Nasser, (2004), "General rules of contracts", Tehran, publishing company.

Katouzian, Nasser, (2020), "Civil Law in the Current Legal System", 62nd Edition, Mizan Legal Foundation Publications.

Mohagheq Damad, Seyyed Mostafa, "Family Laws", (1989), Tehran, third edition.

Moin, Mohammad (2017), "Persian Culture", Tehran, Sokhon Amirkabir publishing house.

Motahari, Morteza (2016), "Women's Rights System in Islam", Tehran, Sadra Publications.

Marwarid, Ali Asghar (1981), "Yanabi' al-Faqih", Qom, Dar al-Kitab al-Islami.

Jokar, Mahbubeh (2018), "Ethical, jurisprudential and legal rights and mutual duties of husband and wife", quarterly magazine in the field of women and family studies, Tahura, fourth year, number 8, pages 79-116.

Melai Kashi, Betoul (2017), "Jurisprudential and Legal Review of Wife Housing", Master's Thesis, Private Law, Islamic Azad University of Mazandaran, Faculty of Theology and Islamic Studies.